

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

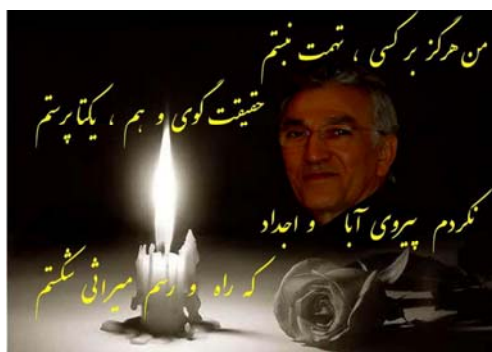
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۰۸ مارچ ۲۰۱۹



حریر تن

حریر تن شبی که در بَغت آشیانه می سازم ز واژه واژه احساس، بر حریرِ نَتَن
ز گفته های که دارم، ترانه می سازم ز گرم بوسه، گل و برگ، نقش اندامت
ردیف و قافیه را، دام و دانه می سازم ظریف طبع تو، گر مینوا زدم به غزل
صلا اگر نکی، خودسرانه می سازم حدیث و آیه چه خوانم، زبان نمی گردد
نهال عشق ترا، پُر جوانه می سازم ز ناز ناز تو و، عشوه عشوه کردن تو
که تا زبان، ز زبانت، زبانه می سازم ز بیت بیت غزلهای عاشقانه خود
بتی به کعبه دل، جاودانه می سازم چرا جفا به من و، میکنی وفا به رقیب
ترا یگانه خدای یگانه می سازم مگو، چشک به حلال آی و خواستگاری کن
پهن مکر ترا، گرچه لانه می سازم به عقد و صیغه نخواهم حلال من گردی
مگو که، حکم شریعت، بهانه می سازم بیا و خواهش "نعمت" شبی پذیرا شو
ترا الا هـه نظم، ز مانه می سازم

(۱)

حریر تن

شبی که در بغلت آشیانه می سازم
نکفته هسای که دارم ، ترانه می سازم
ز واژه واژه احساس ، بر حریرت
ردیف و قافیه را ، دام و دانه می سازم
ز گرم بوسه ، گل و برک ، نقش اندامت
صلا اگر نکنی ، خود سرانه می سازم

(۲)

ظریفِ طبعِ تو ، گر می‌نوازم به غزل
نخالِ عشقِ ترا ، پُر جوانه می‌سازم
حدیث و آیه چه خوانم ، زبان نمی‌گردد
که تا زبان ، ز زبانت ، زبانه می‌سازم
ز نازِ نازِ تو و ، عشوه عشوه ، کردنِ تو
بُتی به کعبهء دل ، جاودانه می‌سازم
ز بیتِ بیتِ غزلهای عاشقانه خود
ترا یگانه خدای یگانه می‌سازم

(۳)

چرا جفا به من و ، میکنی وفا به رقیب
پهن دگر ترا ، گرچه لانه می سازم
مکو ، چشک به حلال آی و خواستگاری کن
مکو که ، حکم شریعت ، بهانه می سازم
به عفت و صیغه نخواهم حلال من کردی
ترا إلا همه نظم ، زمانه می سازم
بیا و خواهش «نعمت» شبی پذیرا شو
ز نغز شعر ، حضور شهانه می سازم